

پیامدهای تعارض مالکیت بر بهره‌برداری از اراضی کشاورزی (مطالعه موردی: بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه)

جعفر توکلی*^۱ - جواد دامن باغ^۲

۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲- دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۱ صص ۱۴۵-۱۶۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۲/۰۲

چکیده

هدف: مقاله حاضر با هدف شناسایی تأثیر تعارض‌های حقوقی مالکیت اراضی زراعی بر کیفیت بهره‌برداری از اراضی کشاورزی در بخش ماهیدشت انجام گرفته است. شناخت این پیامدها ضمن روشن کردن اهمیت آن‌ها در اقتصاد روستایی، زمینه مناسبی برای برنامه‌ریزان در راستای ارائه راه‌کارهای مفید در مقابله با عوارض منفی این مسأله خواهد بود.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تکیه بر داده‌های اسنادی و میدانی انجام گرفته است. مؤلفه‌های مورد مطالعه عبارت‌اند از: درآمد و سرمایه‌گذاری، مشارکت و اشتغال، الگوی کشت، مدیریت زمین و فرآیند تولید بهره‌برداران زراعی بخش ماهیدشت، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند که با استفاده از روش قضاوتی ۲۰۰ بهره‌بردار زراعی به عنوان حجم نمونه انتخاب و در دو گروه ۱۰۰ نفری درگیر تعارض ملکی زراعی و بدون تعارض ملکی زراعی در ۸ روستای بخش با ابزار پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تعارض مالکیت زراعی در همه مؤلفه‌های یادشده، تأثیر منفی بر بهره‌وری کشاورزی گذاشته است. گروه‌های مورد مطالعه از نظر این مؤلفه‌ها دارای تفاوت معناداری با سطح اطمینان ۹۹ درصد هستند. در صورتی که تفاوت معناداری میان روستاهای مورد مطالعه تأیید نشده است.

محدودیت پژوهش: نبود مبانی نظری و پیشینه کافی مرتبط با موضوع پژوهش به عنوان محدودیت مطرح است.

راه‌کارهای عملی: اصلاح نظام ارث‌بری با استفاده از نظر فقها و حقوق‌دانان از یک سو و نیز اقداماتی نظیر کاهش دیون‌سالاری و زمان رسیدگی در بررسی این‌گونه دعاوی از سوی مراجع قضایی، ترویج و توسعه یکپارچه‌سازی اراضی زراعی و توسعه تعاونی‌های تولید می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.

اصالت و ارزش: سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مسائل روستایی و نیز اداراتی نظیر جهاد کشاورزی و دادگستری که به صورت مستقیم با امور روستا و دعاوی حقوقی کشاورزان در ارتباط هستند، می‌توانند از نتایج تحقیق حاضر در راستای برنامه‌های خود استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: تعارض مالکیت، نظام ارث‌بری، بهره‌برداری کشاورزی، اراضی زراعی، ماهیدشت.

ارجاع: توکلی، ج. و دامن باغ، ج. (۱۳۹۵). پیامدهای تعارض مالکیت بر بهره‌برداری از اراضی کشاورزی (مطالعه موردی: بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۳)، ۱۴۵-۱۶۱.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/50741>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

کشاورزی به عنوان منبع اصلی تأمین معیشت و ایجادکننده فرصت‌های شغلی و اقتصادی، نقش و اهمیت اساسی در حیات و توسعه روستایی دارد، تا جایی که در بسیاری از روستاها، مهم‌ترین عامل ثبات و امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود. از این رو، بسیاری از متخصصان توسعه، توجه به کشاورزی را به عنوان راهبرد اصلی توسعه روستایی تلقی کرده و آن را زیربنای تحقق توسعه موزون و ثمربخش در سطوح مختلف محلی، ناحیه‌ای و ملی قلمداد می‌کنند (نوری، زمان‌آبادی و امینی فسخودی، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۵).

به رغم اهمیت یادشده، مشکلات و موانعی در توسعه کشاورزی وجود دارد که با توجه به اهمیت این بخش و نیز وابستگی زیادی که روستاییان با کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن دارند، ضروری است رفع این موانع جزء اولویت‌های مسئولان و برنامه‌ریزان روستایی قرار گیرد؛ زیرا تا زمانی که این مشکلات و موانع برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی، رشد و توسعه دست نخواهند یافت. در این خصوص، می‌توان به مشکلات و موانع حقوقی اشاره کرد که در بسیاری از کشورها یکی از حوزه‌های پیچیده مسائل کشاورزی محسوب می‌شود. در ایران، در نظام مالکیت اراضی، نظیر این مشکلات حقوقی وجود دارد که به فراخور پویای تاریخ آن در دوران قبل و بعد از انقلاب، در متن قوانین اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ و همچنین، ۱۳۵۷ به عنوان نقاط عطف تحولات اجتماعی و اقتصادی کشور در زمینه حقوق مالکیت، مشخص نبودن مالکیت اراضی و مسائل و مشکلات حقوقی و ساختاری ناشی از آن به یکی از مشکلات اساسی بخش کشاورزی بدل شده (یاسوری، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۰) و به نوبه خود موجب بروز مشکلاتی در سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و غیره شده است؛ زیرا دسته‌ای از قوانین حقوقی مربوط به کشاورزی برحسب شرایط و اتفاقات روز و از سر مصلحت‌اندیشی تدوین شده است و از آنجا که تحولات اقتصادی-اجتماعی سریع پدیدار می‌شود، این دسته از قوانین حقوقی، استعداد لازم هم‌خوانی با دگرگونی‌ها و تحولات را نداشته و حبس اوضاع اقتصادی و اجتماعی در لابه‌لای تار و پود قوانین را سبب می‌شوند (ساعدلو، ۱۳۷۳، ص. ۱۶۳). بخشی از قوانین و نظام‌های حقوقی موجود نیز میراث عقاید مذهبی، اصول فقهی و

شرعی حاکم بر جامعه هستند که به نوبه خود با برخی از مقتضیات و ضرورت‌های کشاورزی امروز جامعه هماهنگ نیستند. از این رو توجه به مشکلات حقوقی کشاورزی کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما در کشور ما به این امر آن‌چنان که باید توجه نشده است؛ به گونه‌ای که هنگام صحبت از مشکلات کشاورزی، غالباً وجه نظر بحث مبتنی بر مسائل اقتصادی است، علاوه بر این، قانون مالکیت است که سهم ارث را به عنوان پدیده‌ای قانونی مطرح ساخته و از نظر اجتماعی و اقتصادی، تأثیرات عمده‌ای را در ساختار مالکیت بر جای گذاشت؛ به صورتی که امروزه یکی از مسائل چالش‌برانگیز حقوقی کشاورزی کشور، مسأله مالکیت و تأثیر نظام ارث‌بری بر فرآیند، عملکرد و بهره‌وری آن است و به عنوان یکی از عوامل تنش‌زای کشاورزی در سطح ملی و مانعی در مسیر توسعه آن عمل می‌کند. اراضی زراعی طبق قانون ارث بعد از فوت مالک میان ورثات قانونی تقسیم می‌شوند. این مسأله پراکندگی و خردشدن اراضی کشاورزی و بروز مشکلات ناشی از آن نظیر هرزروی آب، نبود استفاده مؤثر از ماشین‌آلات کشاورزی، پایین آمدن بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، پایین آمدن کارایی مدیریت، افزایش هزینه‌ها و غیره را سبب می‌شود (یاسوری، ۱۳۸۶، صص. ۱۲۱-۱۱۹). در موارد درخور توجهی نیز که از نظر کمیّت و کیفیت تقسیم اراضی، میان ورثه اختلاف و تعارض منافع و در نتیجه، دعوی حقوقی شکل می‌گیرد، شاهد پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم بر کشاورزی و بروز مشکلاتی نظیر بایرشدن اراضی، نبود تمایل به سرمایه‌گذاری، تضعیف فرآیند تجاری‌سازی، محرومیت از وام‌های بانکی، نبود تولید اقتصادی، کاهش بهره‌وری و غیره هستیم. این شرایط هنگامی وخیم‌تر می‌شود که در نظر آوریم که فرآیند رسیدگی به پرونده‌های حقوقی در نظام قضایی ایران گاه یکی دو سال به درازا می‌کشد و با کشیده شدن موضوع دعوی به اراضی کشاورزی بخش درخور توجهی از ظرفیت تولید کشاورزی کشور را از چرخه فعالیت خارج کرده و یا دچار تنزل شدید بهره‌وری می‌کند. بررسی پژوهش‌گران نشان می‌دهد که به رغم اهمیت مسأله، متأسفانه آمار و ارقام دقیق و قابل اتکایی نیز در این زمینه وجود ندارد تا بتوان میزان خسارت اقتصادی معارضه حقوقی اراضی کشاورزی را بر تولید و درآمد این بخش ارائه کرد.

به تبعیت از شرایط کشور در این زمینه، بخش ماهیدشت (شکل ۱) به عنوان محدوده بررسی حاضر با مشکلات ناشی از تعارض‌های ملکی و اختلافات حقوقی درباره اراضی مواجه است.

در یک پارچه‌سازی اراضی مزروعی، رابطه معناداری وجود دارد. حق مالکیت کشاورز بر اراضی سبب می‌شود در تصمیم‌گیری امور زراعی خود استقلال بیش‌تری داشته باشد. این مسأله هم‌چنین، موجب افزایش قدرت ریسک‌پذیری وی در زمینه نوآوری زراعی می‌شود (گریگ^۲، ۲۰۰۵، ص. ۱۷۱). اسمیت^۳ (۱۹۳۷) در تحقیق خود بیان کرد که سیستم ارث‌بری مشروط (محدود) در انگلیس برچیده شده است؛ زیرا این نوع نظام ارث‌بری مانع دسترسی افرادی به زمین زراعی می‌شد که بیش از سایر آن‌ها توانایی استفاده از آن را داشتند. پریور^۴ (۱۹۷۳)، به مقایسه کارهای تجربی انجام‌شده درباره نظام‌های ارث‌بری و انواع مختلف قوانین ارث‌بری فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد. به نظر او، مزیت عمده این کار این است که به ما امکان اندازه‌گیری ارتباط بین توسعه با قوانین ارث‌بری زمین را می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که قانون ارث‌بری اراضی بر توسعه کشاورزی تأثیر مستقیمی می‌گذارد. به باور شولتز^۵ (۱۹۶۴) خردشدن مالکیت اراضی ناشی از نظام ارث‌بری، بر راندمان تولید اثر منفی بر جای می‌گذارد. تقوایی (۱۳۷۶) مسأله حقوقی مرتبط با ارث در مالکیت اراضی و به تبعیت آن، خردشدن اراضی را سبب پایین‌آمدن بهره‌وری کشاورزی در ایران می‌شمارد. هجرتی و افشاری (۱۳۸۹)، معتقدند که مالکیت‌های اراضی خرد مانع توسعه کشاورزی شده است؛ به گونه‌ای که این مسأله موجب ایجاد شرط لازم برای نبود توسعه کشاورزی می‌شود؛ اما از شرایط کافی برای آن محسوب نمی‌شود. بیکر و میسلی^۶ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای درباره قوانین وراثت اراضی مطرح می‌کنند که در جوامع مختلف، قانون ارث‌بری یکسانی وجود ندارد. ایشان میان دو نظریه عمومی قوانین ارث‌بری اراضی، تفاوت قائل می‌شوند. در نظریه اول وصیت‌کننده با اختیار خود اراضی را میان وراثت تقسیم می‌کند که براساس آن، توانایی و قابلیت‌های وراثت را مد نظر قرار می‌دهد. نظریه دیگر در این رابطه قانون حق ارشودیت است که متعاقب آن، اراضی به صورت یک‌جا به بزرگ‌ترین و یا کوچک‌ترین وارث واگذار می‌شود. در این نوع قانون، به فکر استفاده اقتصادی از اراضی هستند. این قانون هم‌چنین، به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از معاملات گسترده زمین زراعی و عواقب نامطلوب آن نظیر بورس‌بازی زمین و غیره جلوگیری کنند. ورائکن^۷ (۲۰۱۱) در تحقیق خود، تأثیرات نواقص حقوق مالکیت اراضی را بر سرمایه و رفاه خانوار در کشور بلغارستان بررسی می‌کند. او ضمن مطالعه درباره قوانین حداقل اندازه اراضی در محدوده مورد مطالعه، نتیجه می‌گیرد که حقوق مالکیت اراضی بر تصمیم‌گیری خانوار در رابطه با اراضی، نقش دارد. اسکلیکا^۸ (۲۰۱۴) چندپارگی حق مالکیت اراضی ناشی از

به تبعیت از قانون انحصار وراثت، سهم‌بری وراثت از اراضی کشاورزی در اجتماعات روستایی بخش ماهیدشت با تقسیم زمین و آب بین فرزندان دختر و پسر صورت می‌گیرد، اما در مواردی که متوفی در زمان حیات خویش به صورت مشخص، اراضی را میان وراثت تقسیم نکرده و وضعیت مالکیت اراضی مشخص نیست، ورثه بر سر مالکیت اراضی با هم اختلاف دارند، بخش قابل توجهی از این اختلافات به شورای حل اختلاف و دادگاه کشیده می‌شود و تأثیری عمیق در شرایط اقتصادی و اجتماعی و روابط تولیدی میان زارعان و کشاورزی منطقه به جای گذاشته است. در این زمینه می‌توان به مواردی چون مشکلات مدیریتی، الگوی کشت، درآمد و سرمایه‌گذاری، مشارکت، اشتغال و فرآیند تولید اشاره کرد که با توجه به وابستگی بیش از ۷۰ درصد ساکنان به بخش کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن، توجه جدی مسؤولان و برنامه‌ریزان را در این زمینه می‌طلبد. به این ترتیب، با توجه به اهمیت موضوع و آثار و پیامدهای آن، پژوهش حاضر در صدد بررسی این مسأله اساسی است که تعارض‌های حقوقی در زمینه مالکیت اراضی زراعی در بخش ماهیدشت، چه تأثیری بر کیفیت بهره‌برداری از اراضی کشاورزی آن گذاشته است؟ در این ارتباط، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح است: ۱) اختلافات اراضی چه تأثیری بر مدیریت و الگوی کشت اراضی کشاورزی محدوده بررسی داشته است؟ ۲) تعارض ملکی چه تأثیری بر درآمد و سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی داشته است؟ ۳) این مسأله چه اثری بر فرآیند تولید کشاورزی در جامعه مورد بررسی داشته است؟

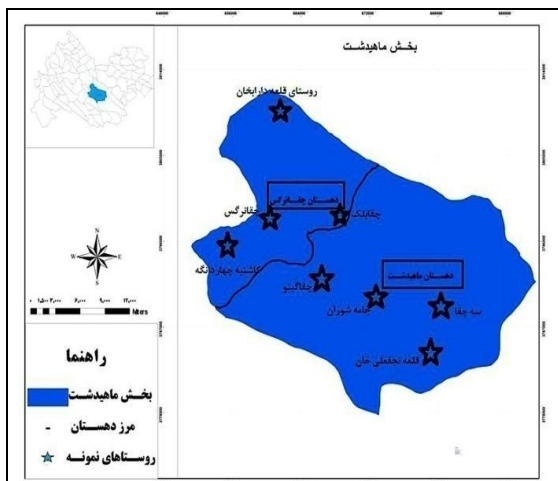
۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

از نظر سابقه می‌توان گفت مسأله زمین‌داری و مالکیت از دوران گذشته به عنوان یک امر مهم در زندگی انسان نقش داشته و در این زمینه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی نیز ارائه شده است که دیدگاه طرفدار اصلاحات بنیادی^۱ با هدف ایجاد تغییر اساسی در مالکیت، نمونه‌ای از این موارد است. تحقیقات مختلفی نیز مرتبط با مالکیت اراضی کشاورزی انجام گرفته است که در ادامه به موارد مرتبط با موضوع و مبانی تحقیق حاضر اشاره خواهد شد. یاسوری (۱۳۸۶)، معتقد است مسائل مالکیت، نظام‌های بهره‌برداری، تقسیم زمین بین وراثت و به تبع آن، کوچکی و پراکندگی قطعات زراعی از جمله عوامل درونی پایین‌آمدن تولید در مناطق روستایی است. وثوقی و فرجی (۱۳۸۵)، نتیجه گرفتند که میان میزان مالکیت اراضی و میزان تمایل مالکان به مشارکت

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

این بخش از لحاظ تقسیمات سیاسی، تابع شهرستان کرمانشاه بوده و طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۱۱۰ روستا و جمعیتی برابر ۱۸۹۷۸ نفر و ۵۰۵۹ خانوار است (بخشداری ماهیدشت، ۱۳۹۲). فعالیت‌های کشاورزی به‌ویژه زراعت، اساس درآمد روستاهای این بخش به شمار می‌رود و در زندگی و تأمین معیشت آن‌ها نقش قابل توجهی دارد. بخش ماهیدشت از توان بالایی برای فعالیت کشاورزی برخوردار است؛ به گونه‌ای که امکان صدور مازاد کشاورزی آن شامل گندم، حبوبات و غیره به سایر نقاط کشور وجود دارد و می‌تواند موجب رونق و شکوفایی روستاهای محدوده بررسی شود. به رغم توان و جای‌گاه درخور توجه کشاورزی در اقتصاد ماهیدشت، تعارض مالکیت ناشی از نظام ارث‌بری متعارف، بروز مشکلاتی را برای بخش کشاورزی و پایین‌آمدن بهره‌وری آن، سبب شده و در نهایت، زندگی مردم منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.



شکل ۱- نقشه موقعیت جغرافیایی بخش ماهیدشت در استان

کرمانشاه

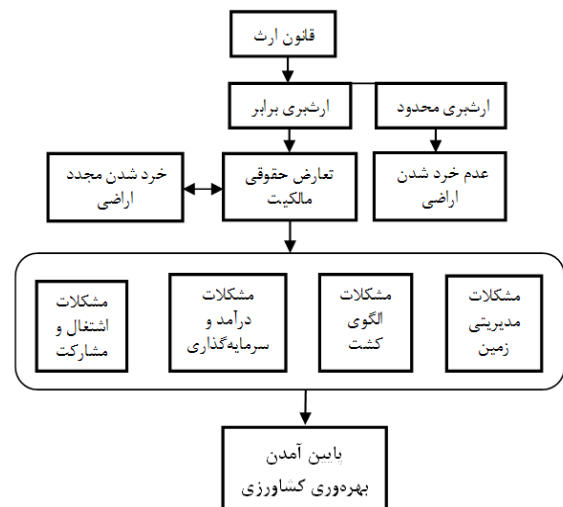
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

۲.۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و هدف آن از نوع کاربردی است. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت ترکیبی از روش‌های اسنادی و میدانی انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات میدانی نیز با استفاده از ابزار مصاحبه و پرسش‌نامه صورت گرفته است. واحد تحلیل بررسی ۱۱۰ روستای بخش ماهیدشت از توابع شهرستان کرمانشاه با جمعیتی برابر ۵۰۵۹ خانوار است (دفتر آمار و اطلاعات استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۰). از این تعداد، ۸ روستا به صورت

وراثت را به عنوان شکل جدید تخریب زمین‌های زراعی معرفی می‌کند که دارای تأثیرات نامطلوب اجتماعی، زیست‌محیطی و مدیریتی است.

بازاندیشی در مطالعات و تحقیقات انجام‌گرفته نشان داد که مسأله مالکیت همیشه یک دغدغه برای محققان بوده است و در این زمینه تحقیقات زیادی صورت گرفته است؛ اما در رابطه با موضوع تحقیق حاضر که به صورت مشخص به بررسی اثرات تعارض مالکیت اراضی زراعی بر کشاورزی می‌پردازد، تحقیقات مشابهی ملاحظه نشد. از این رو، کم‌بودن پیشینه سبب شد تا علاوه بر اسناد بررسی‌شده، از نتایج مصاحبه‌مقدماتی با کشاورزانی که با مسأله پژوهش درگیر بودند، چهارچوب تحقیق مشخص و ارائه شود (شکل ۲). تحلیل مصاحبه‌های صورت‌گرفته با کشاورزان نشان داد که تعارض مالکیت باعث بروز مشکلاتی در کشاورزی بخش ماهیدشت شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کاهش میزان تولید به ازای واحد سطح، کاهش درآمد سالانه، محرومیت از وام و اعتبارات کشاورزی، رعایت‌نکردن زمان مناسب کاشت، داشت و برداشت، رعایت‌نکردن شخم اصولی و صحیح و انجام عملیات هموارکردن زمین، هدررفت سرمایه‌های کشاورزی، انجام‌ندادن طرح‌های جانبی کشاورزی و افزایش‌دهنده درآمد، تأثیرات نامطلوب بر شرایط روحی و روابط خانوادگی افراد. بنابراین، جدیدبودن موضوع و مسائلی که تعارض مالکیت برای کشاورزی به وجود آورده است، ضرورت بررسی موضوع را ایجاب می‌کند تا بتوان ضمن شناسایی این تأثیرات و ارائه راه‌کارهای مفید در زمینه کاهش آن‌ها، مبنایی برای تحقیقات بعدی که در راستای مالکیت کشاورزی انجام پذیرد را فراهم آورد.



شکل ۲- چهارچوب مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

پیامدهای تعارض‌های ملکی ناشی از نظام ارث‌بری تبیین و بررسی شود.

جدول ۲- شاخص‌های مورد مطالعه در تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

مدیریت زمین	- بایرگذاشتن زمین (نبود کشت) - اجاره‌دهی اراضی - بهره‌برداری دوره‌ای (نوبتی) - دیبه‌زاشدن زمین - تخریب و خسارت زمین کاشته‌شده
الگوی کشت	- رعایت تناوب زراعی - نسبت کشت محصولات پرهزینه به محصولات کم‌هزینه - نسبت کشت محصولات زودبازده به محصولات دیربازده
درآمد و سرمایه‌گذاری	- تولید (به ازای واحد سطح) - درآمد سالانه - استفاده از وام و اعتبارات کشاورزی - بیمه کردن محصول - تمایل به استفاده از شیوه‌های آبیاری نوین - تمایل به نوسازی و تجهیز ماشین‌آلات کشاورزی
مشارکت و اشتغال	- شرکت در کلاس‌های آموزشی- ترویجی - عضویت در تعاونی‌ها و تشکلهای تولیدی کشاورزی - استفاده از نیروی کار خانوادگی در عملیات کشاورزی - استفاده از نیروی کارگر روزمزد
فرایند تولید	- رعایت زمان مناسب در مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول - رعایت شخم اصولی و صحیح - انجام عملیات هموار کردن زمین - انجام عملیات حذف سنگ و کلوخ از زمین - استفاده از بذرها اصلاح‌شده - استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری - کیفیت مبارزه با علف‌های هرز - نحوه برخورد با بقایای مزرعه پس از برداشت

۳. مبانی نظری تحقیق

مالکیت به معنی دارا بودن و تصاحب و در تصرف داشتن چیزی است. تعریف اصطلاحی و حقوقی مالکیت عبارت است از حقی که هر مالکی برای انتفاع از ملک خود دارد و می‌تواند هر طور که بخواهد، در آن تصرف کند و احدی حق ندارد با انتفاع یا تصرفات او مقابله کند (قشونی، ۱۳۹۰، ص. ۲۳). مالکیت به رابطه خاص بین مالک و ملک اشاره می‌کند که امکان تصرف مالک در ملک را نشان می‌دهد. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و واقعی است؛ مانند مالکیت خداوند بر مخلوقات و گاه اعتباری است؛ مانند تصرف مالک بر ملک خود که توسط عقلا اعتبار می‌یابد (شریعتی، ۱۳۸۶، ص. ۴۰). به طور کل، می‌توان گفت که عنصر اصلی در مفهوم مالکیت

قضاوتی انتخاب شدند که علاوه بر موقعیت طبیعی متفاوت، فاصله از شهر و جمعیت، عمده‌ترین ملاک انتخاب آن‌ها، وجود دو گروه درگیر تعارض ملکی زراعی و بدون تعارض ملکی زراعی در روستا بود.

جدول ۱- توزیع نمونه به تفکیک روستاهای مورد بررسی (خانوار)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

نام روستا	سکنه روستا	نمونه	با تعارض ملکی	بدون تعارض ملکی
چقانرگس	۶۸۹	۳۴	۱۷	۱۷
جامه‌شوران	۳۱۸	۳۸	۱۹	۱۹
کاشنبه چهاردانگه	۱۶۸	۱۰	۵	۵
چقابلک	۱۹۹	۲۴	۱۲	۱۲
قلعه نجفعلی خان	۳۸۴	۴۰	۲۰	۲۰
سه چقا	۲۰۷	۱۴	۷	۷
چقاگینو	۲۵۳	۱۴	۷	۷
قلعه دارابخان	۴۵۳	۲۶	۱۳	۱۳
جمع	۲۶۷۱	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بنابراین، نمونه آماری پژوهش شامل ۲۰۰ سرپرست خانوار کشاورز ساکن روستاهای یادشده در بخش ماهیدشت هستند. از این تعداد، ۱۰۰ نفر به علت اختلاف و تعارض مالکیت اراضی زراعی ناشی از نظام ارث‌بری به دادگاه و یا شعب شورای حل اختلاف مراجعه کرده‌اند. برای مقایسه نتایج پژوهش، یک گروه ۱۰۰ نفری از کشاورزان ساکن روستاهای بخش که بدون تعارض و اختلاف مالکیتی بوده و در عین حال، از خصیصه‌های مشابه کشاورزان گروه اول برخوردار بودند، به عنوان گروه شاهد مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری برای هر دو گروه، قضاوتی و انتخابی بوده و ملاک انتخاب، وجود یا نبود تعارض مالکیتی جدی (مراجعه به مراجع قانونی) بوده است (جدول ۱). ابزار اصلی پژوهش، پرسش‌نامه است که برای سنجش روایی^۹ آن از نظر اساتید و صاحب‌نظران در زمینه موضوع تحقیق استفاده و اصلاحات لازم اعمال شد و پایایی^{۱۰} آن نیز با آزمون آلفای کرونباخ^{۱۱} بررسی و تأیید شد (مقدار آلفا = ۰/۸۳۱).

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

متغیرها و شاخص‌های پژوهش برپایه بررسی مبانی نظری و پیشینه موضوع و نیز مصاحبه‌های مقدماتی انجام‌شده با چند تن از کارشناسان حقوقی شورای حل اختلاف بخش، مطلعان محلی و کشاورزان درگیر با مسأله، شناسایی و تدوین شده است (جدول ۲). در این چهارچوب سعی شده است تا اثرات و

دگرگون‌سازی به آن تأکید می‌شود، در این دیدگاه وجود ندارد. در راهبرد اصلاح‌طلبانه، نهاد عمده مالکیت بر مالکیت‌های خانوادگی استوار است. برخی مواقع هم تعاونی‌های کوچک و بهره‌برداری‌های خانوادگی در مقابل سرمایه‌داری ارضی ملاحظه می‌شود (از کیا، ۱۳۸۷، صص. ۲۲۸-۲۴۲). بهره‌برداری غالب، از مزارع خانوادگی و کارگری است. در این راهبرد نیز، مالکیت شخصی خانوار روستایی مد نظر قرار گرفته است؛ اما در صدد تغییر وضعیت مالکیتی موجود از نظر ساختار اقتصادی و اجتماعی نیست.

در هر کدام از دیدگاه‌های مذکور، مالکیت نهایی خانوار بر اراضی با توجه به قوانین موجود کشورها، به رسمیت شناخته می‌شود. در نتیجه، بعد از بهره‌برداری یک نسل از اراضی کشاورزی، در انتقال مالکیت به نسل بعد، نظام ارث‌بری خاصی بر آن اعمال می‌شود که در کشورهای مختلف متنوع است. سه نوع نظام ارث‌بری اراضی بیش‌تر از همه مطرح می‌شود: نوع اول نظام ارث‌بری محدود و مشروط است. در این شکل تمامی ملک (بدون قطعه‌قطعه‌شدن) به یکی از ورثه منتقل می‌شود که ممکن است مسن‌ترین یا کوچک‌ترین وارث باشد. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته که با مسائلی از جمله مهاجرت روستاییان روبه‌رو هستند، مقررات ارث تعیین می‌کند که کدام یک از ورثه می‌تواند زمین را در اختیار گیرد (سعیدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱). مزیت اصلی این روش، جلوگیری از خردشدن اراضی بیان شده است (فریدمن^{۱۲}، ۱۹۸۵، ص. ۴۲). ایراد اصلی آن نیز سلب اختیار میراث‌گذار در واگذاری میراث براساس توانایی‌ها و قابلیت‌های ورثه است و همین دلیل نیز باعث شکست این سیستم در کشوری نظیر انگلستان شد (میلر^{۱۳}، ۱۹۸۰، ص. ۵۶۴). در مقابل این نوع تقسیم ارث، «تقسیم ارث به طور مساوی بین فرزندان متوفی» وجود دارد که مطابق آن، تمامی املاک و اراضی متعلق به فرد متوفی بین فرزندان به طور مساوی تقسیم می‌شود (سینگ و دیلون، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۳). در بعضی فرهنگ‌ها نیز ممکن است اموال به جای این‌که به ارث گذارده شوند، توسط مالک وقف شده یا به عبارت ساده‌تر، به منظور کار خاصی اعطا می‌شوند (بیکر و میسلی، ۲۰۰۵، ص. ۷۷). قانون توارث در کشور ایران نیز سیستم وقف را به صورت محدود می‌پذیرد که براساس آن صاحب املاک در زمان حیات، اموال خود را وقف می‌کند. البته این مورد شامل همه اموال نمی‌شود و در مواردی که وارثی وجود نداشته باشد، این کار صورت می‌گیرد. آنچه که عموماً در کشور ما اجرا می‌شود، همان قانون تقسیم ارث اسلامی

«امکان تصرف» است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲، ص. ۱۴). با این تفاوت که در «تصرف» مالکیت به صورت محدود و مشروط است و فرد در بهره‌برداری از منابع، اختیار کامل ندارد و در واقع، فاقد تعلق حقوقی است. با توجه به مفهوم متفاوت تصرف و مالکیت، در مواردی که مالکیت روستایی مورد نظر باشد، می‌تواند به نحوه بهره‌برداری از ابزار و منابع گوناگون، به‌ویژه منابع آب و زمین اشاره کند که در آن به شخص مالک حق بهره‌برداری، اجاره‌دادن، فروختن، به‌ارث‌گذاردن، تفکیک و تقسیم و مانند آن داده می‌شود. هم‌چنین، این امر برای او جنبه حقوقی و قانونی دارد و می‌تواند به صورت فردی یا جمعی باشد (سعیدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۰۸).

راهبردهای گوناگون توسعه روستایی و کشاورزی هر کدام در قبال مسأله مالکیت، رویکرد متفاوتی دارند. برای نمونه، راهبرد دگرگون‌سازی به دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و بازتوزیع منابع نظر دارد. این راهبرد برای رسیدن به توسعه روستایی، مالکیت ارضی را محور بحث خود قرار می‌دهد و از بعد سیاسی و اجتماعی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، اهمیت زیادی یافته است. اهداف عمده این راهبرد عبارت است از مشارکت بیش‌تر مردم، برابری اقتصادی و رشد سریع‌تر که از طریق دگرگونی سریع اجتماعی و توزیع مجدد قدرت سیاسی صورت می‌گیرد. سیاست‌های توسعه روستایی بر مبنای راهبرد مذکور، برای ایجاد برابری و عدالت در جامعه روستایی به راه‌کار اجرای ریشه‌ای اصلاحات ارضی تأکید دارند تا به این وسیله گروه‌های فقیر و محروم روستایی، عمده‌ترین استفاده را از تسهیلات و برنامه‌های دولت در نواحی روستایی ببرند (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۳، ص. ۷۳). افزایش مالکیت دهقانی به‌خصوص در کشور ایران از نتایج همین اصلاحات ارضی است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص. ۲۳۹). در مقابل، راهبرد بهبود که به دو گروه فن‌سالارانه و اصلاح‌طلب تقسیم می‌شود، به دگرگونی در ساختار اقتصادی و اجتماعی توجهی ندارد و غالباً افزایش میزان بهره‌وری بدون ایجاد دگرگونی در نظام حقوقی و اجتماعی و مسأله مالکیت را مد نظر قرار می‌دهد که در آن نهادهای اجتماعی و نظام زمین‌داری تداوم می‌یابد؛ به بیان دیگر راهبرد بهبود درباره توزیع مجدد منابع تولید میان دهقانان، کاری انجام نمی‌دهد. در راهبرد فن‌سالارانه، هدف اقتصادی عمده، افزایش تولیدات کشاورزی است که از طریق تشویق دهقانان به پذیرش تکنولوژی پیشرفته و یا از طریق یک‌پارچگی اراضی صورت می‌گیرد. بنابراین، تفکیک و اصلاح ساختاری که در دیدگاه

جنسیت پاسخ‌گویان غالباً مرد، با فراوانی ۱۹۲ نفر (۹۶ درصد) است. زنان بهره‌بردار نیز ۴ درصد (۸ نفر) نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند. ۱۹۷ نفر از پاسخ‌گویان متأهل و ۳ نفر مجرد بودند که به ترتیب، ۹۸،۵ و ۱،۵ درصد نمونه آماری را تشکیل می‌دادند. متوسط بعد خانوار کشاورزان بررسی شده، ۵ نفر است. حداقل بعد خانوار در محدوده مورد نظر ۲ نفر و حداکثر آن نیز ۱۰ نفر محاسبه شد. وضعیت سواد در میان کشاورزان به ترتیب ذیل است: ۷۵ نفر (۳۷،۵ درصد) دارای سواد خواندن و نوشتن، ۴۸ نفر (۲۴ درصد) بی‌سواد، ۳۸ نفر (۱۹ درصد) پنجم ابتدایی، ۲۴ نفر (۱۲ درصد) سیکل و ۱۵ نفر (۷،۵ درصد) نیز دیپلم بودند. یافته‌های این بخش حاکی از وضعیت نامطلوب سواد در میان کشاورزان ماهیدشت است.

جدول ۳- گروه‌های مورد بررسی بر حسب ویژگی‌های فردی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

متغیر	آماره	مقدار U من‌ویتنی	معناداری
جنسیت		۴۹۰۰	۰،۴۲۷
وضعیت تأهل		۴۹۵۰،۰۰۰	۰،۵۶۲
سواد		۴۶۵۸،۵۰۰	۰،۴۲۴
شغل اصلی		۴۴۷۶،۰۰۰	۰،۴۲۴
شغل فرعی		۴۹۹۹،۰۰۰	۰،۹۹۸

شغل پاسخ‌گویان غالباً زراعت و دامداری به میزان ۵۹ درصد (۱۱۸ نفر) است. ۳۶،۵ درصد (۷۳ نفر) نیز دارای شغل زراعت و تنها ۴ درصد (۸ نفر) هم‌زمان به سه شغل زراعت، دامداری و باغداری می‌پردازند. تنوع مشاغل کشاورزی به عنوان یک مزیت محسوب می‌شود؛ زیرا با خود تنوع درآمدی به همراه داشته و بهره‌بردار را از تک‌محصولی و عواقب نامطلوب آن محافظت می‌کند. این مسأله برای امور زراعی که با خطراتی نظیر خشک‌سالی و آفات مواجه است، اهمیت بیش‌تری دارد. در رابطه با شغل فرعی نیز ۶۰ درصد (۱۲۰ نفر) فاقد شغل فرعی و ۴۰ درصد (۸۰ نفر) نیز دارای مشاغل نظیر بنایی، کارگری، چوب‌داری، مغازه‌داری، دلتالی، جوش‌کاری و فروشنده دوره‌گرد بودند. در مجموع، در کلیه موارد فوق که معرف ویژگی‌های فردی بهره‌برداران است، نتایج آزمون من‌ویتنی^{۱۵} نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان دو گروه با تعارض ملکی (گروه الف) و گروه بدون معارضه ملکی (گروه ب) وجود ندارد (جدول ۳).

۴.۲. مدیریت زمین

است که برای فرزندان پسر و دختر متوقی سهم مشخصی را در نظر می‌گیرد. در نتیجه، متوسط وسعت اراضی به‌سرعت تقلیل می‌یابد. زمانی که پدر خانواده فوت می‌کند، زمین بین ورثه او تقسیم می‌شود. هر یک از وارثان اصرار دارد تا سهمی از هر ناحیه و هر تکه از زمین را دارا باشد که این خود منجر به چندپارچگی بیش‌تر زمین می‌شود. این روش موجب می‌شود که بسیاری از عملیات اصلاحی کشاورزی و تکنیک‌ها و روش‌های نوین زراعی را نتوان به مرحله اجرا گذاشت. از لحاظ اجتماعی، شاید بتوان تقسیم‌شدن اراضی کشاورزی را توجیه کرد؛ اما از لحاظ اقتصادی نتیجه منفی بوده و منجر به کاهش بهره‌وری تولید می‌شود. در نهایت، درگیری و منازعات بی‌پایان بر سر مرزبندی، ارث و غیره، کشاورزان را دل‌سرد کرده و آن‌ها را به سوی تنگ‌دستی سوق می‌دهد. مسأله بسیار اساسی که در تقسیم اراضی از این طریق وجود دارد، قطعه‌قطعه‌شدن هر چه بیش‌تر آن‌هاست. زیک^{۱۴} می‌نویسد، تقسیم منابع ممکن است آن‌قدر پیش رود که به مالکیت تک‌درختان میوه منجر شود. اهلرس درباره قطعه‌قطعه‌شدن اراضی در ایران به واسطه ارث‌بری، از موردی سخن می‌گوید که تعداد قطعات زمین در عرض ده سال از ۱۵ به ۵۵ قطعه افزایش یافته است. این نحوه تقسیم زمین در بسیاری از موارد موجب شده تا از یک سو سطح تولید و به دنبال آن درآمد خانوار روستایی پایین آید و از سوی دیگر، هرگونه برنامه‌ریزی عقلایی و تولید اقتصادی درآمدساز با مسائل جدی مواجه شود. در مقابل، زیک امتیازاتی برای قطعه‌قطعه‌شدن اراضی از طریق ارث‌بری برمی‌شمارد. او معتقد است که این روش به نوعی، مبنای «تعدیل» و «عدالت در برخورداری از اراضی» است؛ به این معنا که هر یک از ارث‌بران از امکاناتی برابر برخوردار می‌شوند و هر یک با جدیت و تلاش بیش‌تری به تولید در قطعه زمین خود می‌پردازند. (سعیدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۱).

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. ویژگی‌های فردی

پاسخ‌گویان در طیف سنی ۲۴ تا ۸۱ سال و میانگین سنی ۵۰ سال قرار داشتند. کشاورزان اظهار داشتند که فرزندان نیروی جوان کم‌تر به امور کشاورزی می‌پردازند و این مسأله درباره زارعان با تعارض مالکیت دارای نمود بیش‌تری است. آن‌ها یکی از مشکلات خود را کاهش انگیزه کشاورزی به‌خصوص در میان جوانان و نیروی فعال روستا بیان کردند.

ملکی، اراضی آبی آن‌ها کاهش یافته و روند دیم‌زارشدن آن نیز به تبعیت از این مسأله رو به افزایش است. در مواردی علاوه بر اراضی که مشکل مالکیت دارند، چاه‌های کشاورزی و ادوات و تجهیزات آن؛ نظیر پمپ و موتور و حتی ساختمان چاه‌ها به دلیل اختلافات ناشی از تعارض مالکیت فرسوده شده و گاه خشک شده‌اند؛ زیرا افزایش عمق چاه‌های کم‌آب نیازمند پیگیری اداری برای گرفتن مجوز است. آب‌رسانی به اراضی نیز هم‌کاری و اتحاد وراثت را می‌طلبد که در این میان ناهماهنگی ناشی از تعارض‌های ملکی، سبب خسارت چاه‌ها و تجهیزات آن شده و اثر آن در قالب افزایش روند دیم‌زارشدن اراضی نمود می‌یابد.

جدول ۴- وضعیت گروه‌ها برحسب میزان اراضی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

متغیر	آماره	میانگین گروه الف	میانگین گروه ب	مقدار T	سطح معناداری
میزان اراضی ملکی	۸,۱۹۰	۸,۷۸۰	-۱,۰۴۷	۰,۲۹۶	
میزان اراضی آبی	۴,۲۵۰	۵,۷۴۵	-۳,۶۹۲	۰,۰۰۰	
میزان اراضی دیم	۴,۵۳۰	۳,۰۳۵	۴,۶۴۲	۰,۰۰۰	

در گروه «الف» روند دیم‌زارشدن اراضی ۹۰ درصد پاسخ‌گویان در حد زیاد و خیلی زیاد افزایش یافته است. این میزان برای گروه ب تنها ۹ درصد است. آزمون من‌ویتنی نیز معنادار بودن تفاوت دو گروه را از این نظر تأیید می‌کند. درباره مقدار اراضی بایر، تفاوت معناداری در میان گروه‌ها وجود ندارد؛ اما از نظر روند بایرشدن، تفاوت معنادار مشاهده شد؛ به گونه‌ای که شدت روند بایرشدن برای گروه الف ۴۲ درصد و برای گروه ب تنها ۱ درصد است. براساس نتایج آزمون من‌ویتنی تفاوت گروه‌ها در این زمینه معنادار است. از دیدگاه زارعان مواردی نظیر مشکلات مالکیت و نتایج نامطلوب ناشی از آن، انگیزه لازم را از آن‌ها گرفته و هنگامی که زمین با کاهش بهره‌وری مواجه شود، ممکن است مالک در آن کشتی انجام نداده و به اصطلاح زمین را بخواباند (جدول ۵).

جدول ۵- وضعیت گروه‌ها برحسب متغیرهای مدیریت اراضی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

گویه	آماره	گروه الف (%)	گروه ب (%)	مقدار U من‌ویتنی	معناداری
شدت روند دیم‌زارشدن	۹۰	۹۰	۹	۸۰۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
شدت روند بایرشدن	۴۲	۴۲	۱	۲۱۹۴,۵۰۰	۰,۰۰۰
اجاره‌دهی زمین	۱۸	۱۸	۳	۴۳۴۱,۰۰۰	۰,۰۰۲
بهره‌برداری نوبتی	۴	۴	۳	۴۹۵۰,۰۰۰	۰,۷۰۱
خسارت به محصول	۵۶	۵۶	۳	۶۲۳,۵۰۰	۰,۰۰۰

وجود اختلافات ملکی در میان گروهی از زارعان سبب شد تا مسأله مدیریت اراضی آن‌ها از نظر میزان اراضی مورد اختلاف، تعداد طرفین دعوا، مدت‌زمان رسیدگی به پرونده و دلیل اصلی اختلاف ملکی بررسی شود تا بتوان از این طریق ضمن مشخص کردن تفاوت میان گروه‌ها، تأثیر این تعارض‌های ملکی را بر کشاورزی منطقه نشان داد. بنابراین، ابتدا میزان اراضی مورد اختلاف بررسی شد که مقدار آن از ۴ هکتار تا ۲۵ هکتار در نوسان بوده و متوسط آن برای هر خانوار ۹ هکتار است. تعداد طرفین دعوا در هر پرونده بین ۳ تا ۱۱ نفر بوده و متوسط آن ۶ نفر است. می‌توان نتیجه گرفت بخش درخور توجهی از امور زراعی محدوده پژوهش حاضر عملاً گرفتار تعارض‌های ملکی و تبعات نامطلوب آن است. زمان رسیدگی به پرونده‌ها نیز از ۱ تا ۱۸ ماه در نوسان بوده است و متوسط آن ۵ ماه است که نشان می‌دهد زمان زیادی از وقت و انرژی بهره‌بردار صرف تعارض‌های ملکی می‌شود. تأثیرات روانی تعارض‌های ملکی بر روی بهره‌برداران به صورت استرس، سلب آرامش و غیره نمود می‌یابد. تعارض‌های ملکی بر روی روابط خانوادگی افراد نیز تأثیرات نامطلوب می‌گذارد. دلیل اصلی ۹۶ درصد اختلاف‌ها مربوط به مشکلات تقسیم ارث و ۴ درصد نیز دلایل مشترکی نظیر ارث، تجاوز به مرز و تخریب داشته‌اند. در میان افراد پاسخ‌گو، کسانی بودند که کار آن‌ها به درگیری فیزیکی کشیده و هزینه‌های مضاعفی برای درمان، دیه، دادرسی و سایر امور اداری بر آن‌ها تحمیل شده است که در مجموع، بر روی درآمد و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیرات نامطلوبی داشته است.

از نظر مالکیت اراضی زراعی، میزان زمین دو گروه تقریباً برابر بوده و وضعیت بهره‌برداران تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. میزان اراضی ملکی افراد از حداقل ۲ تا حداکثر ۲۲ هکتار در نوسان بوده و متوسط آن برای هر خانوار ۸,۵ هکتار است. این مقدار برای گروه الف ۸,۱۹۰ هکتار و برای گروه ب ۸,۷۸۰ هکتار است. نتیجه آزمون تی مستقل^{۱۶} در این زمینه حاکی از نبود تفاوت معنادار میان دو گروه است؛ اما درباره میزان اراضی آبی و دیم میان دو گروه تفاوت وجود دارد. میانگین آن برای گروه «الف» به ترتیب، ۴,۲۵۰ و ۴,۵۳۰ هکتار و برای گروه «ب» ۵,۷۵۰ و ۳,۰۵ هکتار است که تفاوت آن از طریق آزمون تی مستقل با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد (جدول ۴). شایان ذکر است که گروه «ب» اراضی آبی بیش‌تر و اراضی دیم کم‌تری دارند. عکس این قضیه درباره گروه «الف» صادق است که به دلیل اختلافات ناشی از تعارض

بنابراین، در مواردی که مدیریت زمین درگیر مشکل است، کشت این محصولات به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. زمانی که بهره‌بردار از مالکیت خود مطمئن نباشد، از کاشت محصولاتی که نیازمند هزینه بالا هستند، خودداری می‌کند؛ علاوه بر این، کشت محصولات پرهزینه نیازمند تجهیزات و ادوات مناسب است تا بازدهی مناسبی را نصیب کشاورز کند. بنابراین، تعارض‌های ملکی که رسیدگی به چاه‌ها و ادوات را با مشکل مواجه کرده است، سبب شده تا بهره‌بردار حتی اگر تمایل به کشت این محصولات داشته باشد، عملاً برایش مقدور نباشد. میزان کشت محصولات پرهزینه برای گروه با تعارض ملکی ۱۳ درصد و برای گروه دیگر ۸۰ درصد است. در مقابل، گروه با تعارض مالکیت، تمایل بیشتری به کشت محصولات زودبازده نظیر نخود به میزان ۶۷ درصد دارند. این نسبت در گروه «ب» برابر ۱۵ درصد است؛ زیرا کشت این نوع محصولات نیازمند هزینه کم‌تری است و زمان کاشت تا برداشت نیز بیش‌تر از سه ماه طول نمی‌کشد. از دید آن‌ها زودبازده بودن محصول سبب می‌شود تا زمان صدور رأی دادگاه و تعیین تکلیف مالکیت زمین که معمولاً کم‌تر از یک سال است، امکان برداشت به‌موقع را میسر کند؛ اما گروه «ب» معتقدند با توجه به وجود تجهیزات مناسب و اراضی مستعد، بهتر است هزینه و وقت خود را صرف محصولات با بهره‌وری بالا کنند. در سه متغیر فوق که برای الگوی کشت مورد بررسی قرار گرفتند، آزمون من‌ویتنی نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد مؤید اختلاف بین دو گروه تحقیق است.

۴.۴. درآمد و سرمایه‌گذاری

برای رسیدن به درآمد مناسب، سرمایه‌گذاری در امور کاشت و داشت و برداشت از ضروریات است. میزان وام دریافتی، بیمه زراعی، شیوه‌های نوین آبیاری و تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات از جمله اموری است که کشاورز در آن سرمایه‌گذاری می‌کند تا با برداشت محصول بیش‌تر به درآمد بیش‌تری دست یابد. بررسی متغیرهای مرتبط با درآمد و سرمایه‌گذاری تفاوت درخور تأملی را بین گروه‌های بررسی نشان می‌دهد. از آن‌جا که محقق در پی شناسایی تفاوت عملکرد و کیفیت کار گروه‌های مورد مطالعه در زمینه فرآیند تولید محصولات کشاورزی بوده است و بررسی همه محصولات به لحاظ ویژگی‌های اختصاصی مقدور نبود، دامنه بررسی به محصول غالب کشاورزی در محدوده بررسی که عمدتاً گندم است، محدود شد. میانگین برداشت این محصول در هر هکتار برای گروه «الف»، ۲,۰۳ تن و برای گروه «ب»، ۴,۱۶ تن

از نظر میزان اجاره‌دهی، تفاوت میان دو گروه درخور توجه است، در حالی که تنها ۳ درصد گروه «ب» اراضی خود را اجاره می‌دهند. این نسبت برای گروه «الف» برابر ۱۸ درصد است؛ اما درباره بهره‌برداری نوبتی، تفاوت معناداری میان دو گروه تأیید نشد. گروه بدون مشکل مالکیت با وجود اراضی مفروض، لزومی برای نوبتی کردن استفاده خود نمی‌بینند. گروهی نیز که مشکل مالکیت دارند، قصد تعیین تکلیف اراضی را داشته و به بهره‌برداری نوبتی رضایت نمی‌دهند. هرچند تعدادی از آن‌ها قبلاً کشت نوبتی انجام داده‌اند؛ اما اکنون برای تعیین تکلیف اراضی اقدام کرده و با جدیت تمام پیگیر آن هستند. اگر امکان داشت که برای کشت نوبتی به تفاهم برسند، دیگر مراجعه به دادگاه و تشکیل پرونده ضرورت نمی‌یافت. در زمینه تخریب محصول، تفاوت گروه‌ها معنادار بوده و میانگین آن برای گروه «الف» و «ب» به ترتیب، ۵۶ درصد و ۳ درصد محاسبه شده است. گروهی که مشکل مالکیت داشتند، بعضی اوقات عمداً به محصول هم‌دیگر خسارت وارد می‌کردند، در مواردی هم به دلیل نبود مالک مشخص و نگهداری و رسیدگی به‌موقع به محصولات، فرصت تخریب محصول برای چوپانان و سایرین فراهم می‌شد.

۳.۴ الگوی کشت

در زمینه الگوی کشت، مواردی نظیر رعایت تناوب زراعی، کشت محصولات پرهزینه (چغندر قند و سیب‌زمینی) و زودبازده (نخود) بررسی شده است (جدول ۶).

جدول ۶- بررسی وضعیت گروه‌ها برحسب الگوی کشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

گویه	آماره	گروه	گروه	مقدار U من‌ویتنی	معناداری ۰,۰۰۰
		الف (%)	ب (%)		
رعایت تناوب زراعی		۲۰	۸۸	۱۷۰,۵۰۰	
کشت محصولات پرهزینه		۱۳	۸۰	۱۸۱,۵۰۰	
کشت محصولات زودبازده		۶۷	۱۸	۸۶۰,۰۰۰	

از نظر رعایت تناوب زراعی که تأثیر به‌سزایی در حفظ حاصل‌خیزی خاک، کاهش آفات و بازدهی تولید داشته و از نظر علمی، باعث ارتقای کمی و کیفی محصول می‌شود، عملکرد دو گروه متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که حدود ۲۰ درصد افراد با مشکل مالکیت (گروه الف) این مسأله را در حدّ زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کنند. این رقم برای افراد بدون مشکل مالکیت حدود ۸۸ درصد بوده است. کشت محصول پرهزینه نیز نیازمند سرمایه‌گذاری و صرف وقت زیادی است.

نداشت. بهره‌بردار انتظار دارد در مقابل سرمایه‌گذاری که انجام می‌دهد، بهره‌وری لازم را داشته باشد و کشاورزی بدون سرمایه‌گذاری توان تولیدی پایینی دارد. بهره‌بردار وقتی از مالکیت اراضی خویش مطمئن باشد، به صورت جدی نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام می‌کند؛ اما چنان‌چه از مالکیت و آینده اراضی خود مطمئن نباشد، هر نوع سرمایه‌گذاری را به عنوان ضرر تلقی می‌کند. گروه‌های مورد بررسی از نظر میزان سرمایه‌گذاری درآمد حاصل از کشاورزی در روستا نیز رفتار متفاوتی را بروز داده‌اند. در این رابطه، بهره‌بردارانی که درگیر مشکل مالکیت هستند، نسبت به سایر بهره‌براران تمایل خیلی کم‌تری به سرمایه‌گذاری در امور زراعی خویش دارند. این نسبت برای گروه با مشکل مالکیت به میزان ۸ درصد است. ۹۲ درصد از این گروه ادغان داشتند که در حد کم و خیلی کم سرمایه‌گذاری زراعی انجام می‌دهند، در حالی که گروه «ب» به میزان ۸۷ درصد سرمایه‌گذاری در حد زیاد و خیلی زیاد انجام می‌دهند. آزمون من‌ویتنی نیز با سطح اطمینان ۹۹ درصد، نشان‌گر وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه از بعد میزان سرمایه‌گذاری درآمد کشاورزی در روستا است.

جدول ۸- وضعیت گروه‌ها برحسب متغیرهای درآمد و سرمایه‌گذاری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

گروه	آماره	مقدار U من‌ویتنی	سطح معناداری
بیمه محصول		۲۳۰۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
سرمایه‌گذاری		۵۱,۰۰۰	۰,۰۰۰
تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات		۱۹۱۵,۰۰	۰,۰۰۰
متوسط درآمد		۹۶۸,۰۰۰	۰,۰۰۰

تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات نیز نیازمند انگیزه، توان اقتصادی و همچنین، اختیار در تصمیم‌گیری است. بنابراین، زارغانی که اختلاف مالکیت دارند، در این زمینه‌ها با مشکل مواجه هستند. در مواردی هم مشاهده شد که ادوات مشترک کشاورزی؛ نظیر تراکتور به دلیل تعارض‌های ملکی بلاتکلیف مانده و فرسوده شده‌اند. نظیر چنین مشکلی درباره چاه‌های آب نیز وجود دارد. در عمل نیز ۸۳ درصد گروه «ب» عملکردشان در زمینه تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است، در حالی که این میزان برای گروه الف تنها ۴ درصد است. در این زمینه نیز آزمون من

است. آماره تی نیز حاکی از معناداربودن تفاوت میان دو گروه مورد مطالعه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است.

جدول ۷- وضعیت بهره‌برداران در زمینه برداشت گندم و دریافت وام

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

متغیر	آماره	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
متوسط برداشت در هکتار		-۲۱,۵۹۱	۱۹۸	۰,۰۰۰
میزان وام دریافتی		-۹,۶۶۳	۱۹۸	۰,۰۰۰

بهره‌بردار در مواردی نظیر تغییر کشت، خرید ادوات، حفر چاه و یا عمیق کردن آن و غیره نیاز به سرمایه مناسب دارد، چنان‌چه این توان مالی لازم را نداشته باشد، نیاز به منابع دیگری مانند اخذ وام پیدا می‌کند. طبق قوانین بانکی و کشاورزی یکی از شرایط اخذ وام کشاورزی، داشتن سند رسمی به نام کشاورز است. بنابراین، افرادی که با مشکل مالکیت اراضی مواجه هستند و سند زمین به نام آن‌ها نیست، موفق به اخذ وام نمی‌شوند. برابر نتایج بررسی میدانی تحقیق حاضر در گروه درگیر اختلاف ملکی، متوسط میزان وام، ۱,۶۸۰ میلیون تومان و در گروه بدون مشکل مالکیت متوسط میزان وام ۱۱,۵۷۰ میلیون تومان است. نتیجه آزمون تی مستقل نیز نشان‌گر تفاوت معنی‌دار دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در زمینه استفاده از وام دریافتی برای امور کشاورزی است (جدول ۷).

نظر به اهمیت بیمه محصولات کشاورزی در کاهش خسارات تولید و افزایش امنیت مالی تولیدکنندگان روستایی، وضعیت بیمه در گروه‌های مورد پژوهش بررسی شد. ۵۳ درصد کل پاسخ‌گویان (۱۰۶ بهره‌بردار) محصول خود را بیمه کرده بودند. در عمل مشخص شد، نسبت بیمه محصول در گروه بدون مشکل مالکیت بیش‌تر است؛ به گونه‌ای که این نسبت حدود ۸۰ درصد مقابل ۲۶ درصد است. آزمون من‌ویتنی نیز مؤید وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است. افراد با مشکل مالکیت بیان کردند که درآمد آن‌ها از کشاورزی پایین است. از این رو، توان پرداخت به‌موقع بیمه محصول خود را ندارند. بسیاری از آن‌ها همچنین، بیان کردند که محصولات آن‌ها از نظر کیفیت و کمیت، ارزش بیمه کردن را ندارد. در مواردی نیز که اراضیشان شراکتی کشت می‌شد، در مدیریت و تصمیم‌گیری آن‌ها خلل وارد می‌شد و اتفاق نظر برای بیمه کردن محصول در آن‌ها وجود

ویتنی با ۹۹ درصد اطمینان وجود تفاوت بین دو گروه را تأیید کرد.

این وضعیت، شرایط درآمد گروه‌های مورد مطالعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که ۹۰ درصد گروه «الف» درآمد سالانه خود را کم‌تر از ۴ میلیون تومان اظهار کرده‌اند، در حالی که این رقم برای گروه «ب» حدود ۴۲ درصد است. همچنین درآمد سالانه ۴ تا ۸ میلیون تومان برای گروه «الف» حدود ۱۰ درصد و درباره گروه «ب» حدود ۴۹ درصد پاسخ‌گویان را دربرمی‌گیرد. در گروه «ب» حدود ۹ درصد درآمد خود را بالای ۸ میلیون تومان بیان کرده‌اند، در حالی که هیچ کدام از بهره‌برداران گروه «الف» در این محدوده درآمدی قرار نداشته‌اند. آزمون من‌ویتنی نیز مؤید تفاوت معنی‌دار دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است (جدول ۸).

۴.۵. مشارکت و اشتغال

شرکت در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی - ترویجی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم بررسی، حاکی از میزان توجه بهره‌برداران به یادگیری و اجرای روش‌های نوین تولید و تکنیک‌های بهبود فرآیندها و ابزار است. در این ارتباط، گروه «ب» نسبت به گروه «الف» حضور بیش‌تری در کلاس‌های ترویجی داشته‌اند و نتیجه آزمون من‌ویتنی نیز نشان‌گر وجود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است. گروه فاقد مشکل مالکیت همچنین، عضویت بیش‌تری در تعاونی‌های تولید کشاورزی دارند و در امور زراعی از نیروی کار خانوادگی و نیز کارگر روزمزد بیش‌تری استفاده می‌کنند که این امر اشتغال‌زایی مناسبی را در محدوده مورد مطالعه سبب می‌شود.

بررسی میزان استفاده از نیروی کار دستمزدی علاوه بر تعیین درجه اتکا به نیروی کار خانوار، به لحاظ تأثیری که بر هزینه تولید دارد، حائز اهمیت است.

جدول ۹- وضعیت بهره‌برداران بر حسب مشارکت و

اشتغال

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

گویه	آماره	گروه الف (%)	گروه ب (%)	مقدار U من‌ویتنی	سطح معناداری
حضور در کلاس ترویج	۴	۴۱	۴	۱۹۳۷,۰۰۰	۰,۰۰۰
عضویت در تعاونی تولید	۶	۵۲	۶	۲۳۷,۵۰۰	۰,۰۰۰
استفاده از نیروی کار خانوار	۵۶	۷۳	۵۶	۴۳۴۶,۰۰۰	۰,۰۰
استفاده از کارگر روزمزد	۳	۴۰	۳	۶۳۱,۵۰۰	۰,۰۰۰

یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ۳ درصد بهره‌برداران با مشکل مالکیت از کارگران روزمزد استفاده می‌کنند و عمدتاً متکی به نیروی خانوار هستند. در مقابل، ۴۰ درصد گروه بدون مشکل مالکیت در حد زیاد و خیلی زیاد متکی به نیروی کار روزمزد هستند. در برآیند کلی، اتکای گروه درگیر مشکل مالکیت، به نیروی کار خانواده بیش‌تر است و این به دلیل کاشت محصولات نظیر نخود است که نیروی کار لازم را دارند؛ اما بهره‌وری پایینی دارند. بنابراین، استفاده از نیروی کارگر با دستمزد روزی پنجاه هزار تومان صرف اقتصادی برای بهره‌بردار ندارد، از این رو، نیروی کار خانواده آن را برداشت می‌کنند. در گروه فاقد مشکل مالکیت نیز تا جایی که بتوانند در برداشت محصولات خود از نیروی کار خانواده استفاده می‌کنند؛ اما استفاده بیش‌تری از نیروی کار روزمزد دارند. در مجموع، استفاده از نیروی کار خانوادگی در میان هر دو گروه از اولویت بیش‌تری برخوردار است. آزمون من‌ویتنی نیز نشان‌دهنده اختلاف معنی‌دار بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است (جدول ۹).

۴.۶. فرآیند تولید

رعایت زمان مناسب کاشت، داشت و برداشت در کشاورزی، ارتقای کمی و کیفی محصولات را سبب می‌شود. در محدوده پژوهش از این نظر میان دو گروه مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به صورتی که ۸۶ درصد افراد با مشکل مالکیت، امور زراعی را در زمان مناسب انجام نمی‌دهند، در صورتی که ۹۰ درصد گروه دیگر این مسأله را در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کنند. برداشت به‌موقع محصول نیازمند وقت کافی، ادوات مناسب، انگیزه کافی، آموزش لازم و غیره است، در حالی که بررسی‌ها نشان می‌دهد گروه درگیر تعارض مالکیت، با اختصاص وقت خود به امور دادرسی، نداشتن ادوات کافی، استفاده نکردن از آموزش‌های ترویجی و در مجموع، نداشتن انگیزه ناشی از تعارض‌های ملکی، در زمان مناسب امور زراعی را انجام نمی‌دهند. این مسأله درباره رعایت کیفیت شخم اصولی نیز صادق است؛ به گونه‌ای که حدود ۹۲ درصد از افراد با مشکل مالکیت این مسأله را کم و خیلی کم رعایت می‌کنند، در حالی که گروه بدون مشکل مالکیت کیفیت شخم اصولی را به ترتیب، به میزان ۹۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کنند. نتایج آزمون من‌ویتنی در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود تفاوت میان دو گروه را تأیید می‌کند.

جدول ۱۰- وضعیت بهره‌برداران برحسب فرآیند تولید

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

گویه	نتایج	مقدار U من‌ویتی	سطح معناداری
رعایت زمان مناسب کاشت، داشت و برداشت	۷,۰۰۰	۰,۰۰۰	
رعایت کیفیت شخم اصولی	۲۴,۰۰۰	۰,۰۰۰	
جدیت در هموارکردن زمین	۳۵,۵۰۰	۰,۰۰	
حذف سنگ و کلوخ	۲۷,۵۰۰	۰,۰۰۰	
استفاده از بذر پربازده و اصلاحی	۶۲,۵۰۰	۰,۰۰۰	
اصول آبیاری صحیح و علمی	۲۰۵,۰۰۰	۰,۰۰۰	
مبارزه با علف‌های هرز	۵۸,۵۰۰	۰,۰۰۰	
نحوه برخورد با پسماند مزارع	۴۱,۹۷۵۰۰	۰,۰۳۱	

هموارکردن زمین، کاربرد ماشین‌آلات را در اراضی آسان کرده و هر نوع عملیات زراعی و فتاوری را ممکن می‌سازد. ۹۵ درصد گروه با مشکل مالکیت عملیات هموارکردن زمین را کم و خیلی کم انجام می‌دهند، در حالی که گروه بدون مشکل مالکیت به میزان ۹۲ درصد این کار را زیاد و خیلی زیاد انجام می‌دهند. انجام دادن هموارکردن زمین نیاز به هزینه و صرف وقت زیادی دارد. بنابراین، کشاورزی که خود مالک قطعی زمین نیست و امیدی به مالکیت دائم زمین برای او وجود ندارد، نسبت به هموارکردن زمین اقدامی انجام نمی‌دهد. از دید او ممکن است زمین در آینده سهم سایر وراثت شود و زحمات او هدر رود. این مسأله درباره حذف سنگ و کلوخ و نیز مبارزه با علف‌های هرز نیز وجود دارد. ۹۳ درصد گروه با مشکل مالکیت به میزان خیلی کمی، عملیات حذف سنگ و کلوخ از مزارع را انجام می‌دهند، در حالی که ۹۸ درصد گروه بدون مشکل مالکیت نسبت به حذف سنگ و کلوخ از مزارع می‌پردازند. این تفاوت از طریق آزمون من‌ویتی با سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید شده است. مسأله تفاوت دو گروه در استفاده از بذره‌های اصلاح‌شده با بازده بالا و نیز کاربرد اصول آبیاری علمی نیز وجود دارد. گروه درگیر مشکل مالکیت در این موارد نیز به میزان کم و خیلی کمی کار کرده است؛ به صورتی که تنها ۱۷ درصد از آن‌ها از بذره‌های اصلاح‌شده استفاده می‌کنند. هم‌چنین ۹۸ درصد آن‌ها اصول آبیاری علمی را به میزان کم و خیلی کم رعایت می‌کنند. کشاورز ترجیح می‌دهد زمین را به روال سنتی کشت کند تا وقتی که وضعیت مالکیت آن مشخص شود، در حالی که گروه بدون مشکل مالکیت، استفاده از بذره‌های پربازده را تا ۹۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و اصول آبیاری علمی را نیز تا میزان ۸۰ درصد زیاد و خیلی زیاد

رعایت می‌کنند. نتایج آزمون من‌ویتی تفاوت دو گروه را در این موارد با سطح اطمینان بالا تأیید می‌کند (جدول ۱۰). در مبارزه با علف‌های هرز نیز گروه با مشکل مالکیت عملکرد مطلوبی نداشته است؛ به گونه‌ای که ۷۶ درصد اعضای این گروه مبارزه با علف‌های هرز را در حد خیلی کم ارزیابی می‌کردند، در حالی که مبارزه ۹۵ درصد گروه بدون مشکل مالکیت با علف‌های هرز در حد خوب و خیلی خوب بوده است. در این زمینه، آزمون من‌ویتی نشان‌گر وجود تفاوت بین دو گروه در سطح اطمینان ۹۹ درصد است.

در رابطه با نحوه برخورد با پسماند اراضی مواردی نظیر رهاکردن بدون استفاده، چرانیدن دام، اجاره‌دادن (فروختن) به سایر دام‌داران، آتش‌زدن پسماندها به منظور مبارزه با علف‌های هرز و نیز شخم‌زدن بررسی شده است. استفاده از پسماند مزرعه برای چرای دام در گروه الف و ب به ترتیب، ۵۰ و ۷۰ درصد بوده است. هم‌چنین، ۳۱ درصد از گروه الف و ۲۱ درصد از گروه ب پسماند مزرعه را به سایر دام‌داران می‌فروشدند. نیز به ترتیب، ۴ و ۹ درصد گروه‌های الف و ب بعد از برداشت محصول، زمین را شخم می‌زنند تا به عنوان هوموس برای تقویت خاک استفاده شود، در حالی که ۹ درصد گروه الف پسماند مزرعه را به منظور مقابله با علف‌های هرز آتش می‌زنند. این رقم برای گروه «ب» که فاقد تعارض ملکی است، صفر است. آزمون من‌ویتی نیز نشان‌گر تفاوت نحوه برخورد کشاورزان دو گروه با پسماند مزرعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد است.

۷.۴. وضعیت کلی گروه‌ها و روستاهای مورد بررسی

با توجه به هدف پژوهش حاضر که بررسی تأثیر تعارض مالکیت اراضی بر روی تولید و بهره‌وری کشاورزی بخش ماهیدشت است، پس از تحلیل توصیفی و استنباط مقدماتی داده‌های گردآوری شده، شاخص‌های مرتبط با هر مؤلفه محاسبه شده و از طریق آزمون من‌ویتی وضعیت گروه درگیر معارضه ملکی با گروه شاهد مورد بررسی قرار گرفت. تفاوت میان گروه‌های مورد بررسی از نظر مدیریت اراضی، الگوی کشت، درآمد و سرمایه‌گذاری و نیز فرآیند تولید معنادار است و دو گروه یادشده در همه موارد عملکرد متفاوتی نسبت به هم دارند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- وضعیت گروه‌های بررسی از نظر مؤلفه‌های اصلی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

مؤلفه	آماره	مقدار U من‌ویتنی	سطح معناداری
مدیریت اراضی	۳۲۳,۰۰۰	۰,۰۰۰	
الگوی کشت	۱۸,۵۰۰	۰,۰۰۰	
درآمد و سرمایه‌گذاری	۵۰۸,۵۰۰	۰,۰۰۰	
مشارکت و اشتغال	۳۱۶,۰۰۰	۰,۰۰۰	
فرآیند تولید	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	

ماشین‌آلات کشاورزی، پایین‌آمدن بهره‌وری نیروی کار و سرمایه و غیره را در پی دارد. اختلاف و معارضه‌ها/ ورثه نیز مزید بر علت شده و غالباً به صورت دعوای حقوقی نمود می‌یابد که به نوبه خود مشکلاتی را برای کشاورزی و بهره‌برداران به وجود آورده و کاهش بهره‌وری تولید را در پی دارد. بررسی حاضر کوشیده است پیامدهای معارضه حقوقی کشاورزان را در بخش ماهیدشت شهرستان کرمانشاه بر مسائل محوری تولید ترسیم کرده و از رهگذر شناسایی بهتر این معضل در راستای ارائه راه‌کار مناسب گام بردارد.

یافته‌های تحقیق از ۲۰۰ نمونه آماری شامل دو گروه درگیر مشکل مالکیت ارضی و بدون مشکل مالکیت ارضی (گروه شاهد) در ۸ روستای محدوده پژوهش نشان داد که گروه‌های یادشده در زمینه ویژگی‌های فردی نظیر جنسیت، تأهل، سن، تحصیلات، شغل اصلی و فرعی، تقریباً در یک طیف قرار دارند؛ اما در مؤلفه‌های اصلی تحقیق شامل درآمد و سرمایه‌گذاری، مشارکت و اشتغال، الگوی کشت، مدیریت زمین و فرآیند تولید، تفاوت‌های چشم‌گیری نسبت به هم دارند.

در مؤلفه مدیریت اراضی، متوسط میزان اراضی مورد اختلاف برای هر خانوار ۹ هکتار است و زمان دادرسی هر پرونده شکایت به طور متوسط ۵ ماه طول می‌کشد. در هر پرونده ارجاعی به دادگاه، به طور متوسط ۶ نفر درگیر هستند که دلیل اختلاف در ۹۶ درصد موارد مسأله ارث است. روند دیم‌زارشدن اراضی در گروه آزمایش شدیدتر بوده و تفاوت دو گروه در این زمینه معنادار است.

دو گروه از نظر میزان اراضی بایر تفاوتی با هم نداشته؛ اما روند بایرشدن اراضی گروه آزمایش در سطح بالاتر و به عنوان تهدیدی برای کشاورزی محدوده پژوهش مطرح است. از نظر اجاره‌دهی، تفاوت میان دو گروه معنادار است که مطابق آن، گروه آزمایش مقدار بیش‌تری از اراضی خود را اجاره می‌دهد. هم‌چنین، محصولات زراعی گروه آزمایش به میزان بیش‌تری توسط دیگران تخریب می‌شود.

درباره الگوی کشت نیز سه متغیر رعایت تناوب زراعی، کشت محصولات پرهزینه و محصولات زودبازده بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد تنها ۲۰ درصد از گروه آزمایش تناوب زراعی را در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کنند، در حالی که این نسبت برای گروه «ب» حدود ۸۸ درصد است. از نظر کشت محصولات پرهزینه که یک مزیت تلقی می‌شود، تفاوت میان دو گروه معنادار است، تا جایی که حدود ۶۷

هم‌چنین، نتیجه آزمون کروסקال‌والیس^{۱۷} نشان‌گر آن است که بین روستاهای مورد بررسی از نظر مؤلفه‌های مدیریت زراعی، الگوی کشت، درآمد و سرمایه‌گذاری، مشارکت و اشتغال و نیز فرآیند تولید تفاوت معناداری وجود ندارد. این به آن معناست که ۸ روستای مورد مطالعه از نظر مؤلفه‌های بررسی وضعیت مشابهی دارند (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- تفاوت روستاهای مورد بررسی در زمینه

مؤلفه‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

شاخص	مقدار خی دو	درجه آزادی	معناداری
مدیریت اراضی	۲,۱۶۷	۷	۰,۹۵۰
الگوی کشت	۳,۸۶۹	۷	۰,۷۹۵
درآمد و سرمایه‌گذاری	۲,۶۶۷	۷	۰,۹۱۴
مشارکت و اشتغال	۴,۷۹۵	۷	۰,۶۸۵
فرآیند تولید	۳,۳۴۰	۷	۰,۸۵۲

۵. بحث و نتیجه‌گیری

کشاورزی به عنوان منبع اصلی تأمین معیشت و ایجادکننده فرصت‌های شغلی و اقتصادی نقش و اهمیت اساسی در حیات و توسعه روستایی دارد. به رغم اهمیت یادشده، مشکلات و موانعی در توسعه کشاورزی مشاهده می‌کنیم که با توجه به اهمیت این بخش و نیز وابستگی زیادی که روستاییان با کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن دارند، ضروری است رفع این موانع جزء اولویت‌های مسئولان و برنامه‌ریزان روستایی قرار گیرد.

یکی از مسائل چالش‌برانگیز حقوقی کشاورزی کشور، مسأله مالکیت و تأثیر نظام ارث‌بری بر فرآیند، عملکرد و بهره‌وری آن است و به عنوان یکی از عوامل تنش‌زای کشاورزی در سطح ملی و مانعی در مسیر توسعه آن عمل می‌کند. تقسیم اراضی میان وراث پراکندگی و خردشدن و پیامدهای ناشی از آن نظیر هدررفت آب، صعوبت استفاده از

گروه فاقد این مشکل، به میزان زیاد و خیلی‌زیاد سنگ و کلوخ را از اراضی خود حذف می‌کنند.

در گروه با مشکل مالکیت، تنها ۱۷ درصد افراد از بذره‌های اصلاح‌شده استفاده می‌کنند. این گروه هم‌چنین، به میزان ۹۸ درصد، اصول آبیاری علمی را در حد کم و خیلی کم رعایت می‌کنند، در حالی که در گروه مقابل تا ۹۶ درصد در حد زیاد و خیلی‌زیاد از بذره‌های پر بازده استفاده می‌کنند و ۸۰ درصد آن‌ها، اصول آبیاری علمی را به میزان زیاد و خیلی‌زیاد رعایت می‌کنند. مقایسه عملکرد دو گروه، در زمینه مبارزه با علف‌های هرز نیز حاکی از معنادار بودن تفاوت میان آن‌ها است.

بررسی وضعیت کلی دو گروه پژوهش از نظر مجموع مؤلفه‌های مورد بررسی، نشان‌دهنده تفاوت میان آن‌ها با سطح اطمینان ۹۹ درصد است؛ اما تفاوت معناداری بین ۸ روستای مورد بررسی مشاهده نشد.

بنابراین، برای کاهش پیامدهای منفی دعاوی حقوقی بر تولید و بهره‌وری اراضی کشاورزی، به نظر می‌رسد بیش از هر چیز، اصلاح نظام ارث‌بری با استفاده از نظر فقها و حقوق‌دانان از یک سو و نیز اقداماتی نظیر کاهش دیوان‌سالاری و زمان رسیدگی در بررسی این‌گونه دعاوی از سوی مراجع قضایی ضروری باشد. هم‌چنین، ترویج و توسعه یکپارچه‌سازی اراضی زراعی و توسعه قالب‌های مشارکتی تولید، نظیر تعاونی‌های تولید می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد.

یادداشت

- 1-Radical
- 2- Grigg
- 3 - Smith
- 4 - Pryor
- 5 - Schultz
- 6- Baker & Miceli
- 7 - Vranken
- 8- Sklenicka
- 9- Validity
- 10- Reliability
- 11- Cronbach's alpha
- 12-friedman
- 13- Miller
- 14- Wolf-Dieter Sick
- 15- Mann Whitney U
- 16- One-Sample T Test
- 17- Kruskal-Wallis Test

درصد از گروه شاهد کشت محصولات پرهزینه را به میزان زیاد و خیلی زیاد انجام می‌دهند، در صورتی که تنها ۱۳ درصد از گروه آزمایش این نوع محصولات را زیاد و خیلی زیاد کشت می‌کنند. کشت محصولات زودبازده نظیر نخود در میان گروه آزمایش دارای فراوانی بیش‌تر و به میزان ۸۰ درصد انجام می‌شود، در حالی که تنها ۱۸ درصد در گروه شاهد، این نوع محصولات را کشت می‌کنند.

در زمینه شاخص درآمد و سرمایه‌گذاری نیز تفاوت میان گروه‌ها آشکار است. ۸۰ درصد از گروه «ب» محصولات خود را تحت پوشش بیمه کشاورزی قرار داده‌اند. این نسبت برای گروه «الف» تنها ۲۶ درصد است. ۹۲ درصد از گروه «الف» سرمایه‌گذاری زراعی را در حد کم و خیلی کم انجام می‌دهند، در صورتی که ۸۷ درصد گروه «ب» سرمایه‌گذاری را در حد زیاد و خیلی زیاد انجام می‌دهند. عملکرد ۸۳ درصد از گروه «ب» در زمینه تجهیز و نوسازی ماشین‌آلات خوب و خیلی خوب ارزیابی شده است. این نسبت برای گروه «الف» تنها ۴ درصد است. در زمینه متوسط درآمد نیز ۹۰ درصد گروه «الف» درآمد سالانه کم‌تر از ۴ میلیون تومان دارند؛ اما متوسط درآمد ۵۸ درصد گروه «ب» بالاتر از ۴ میلیون تومان قرار دارد.

در زمینه مشارکت و اشتغال، تنها ۴ درصد گروه «الف» در کلاس‌های آموزشی- ترویجی شرکت می‌کنند. این نسبت برای گروه «ب» ۴۱ درصد است. در رابطه با عضویت در تشکله‌ها و تعاونی‌های تولید، حضور گروه «ب» پرننگ‌تر از گروه «الف» است. در زمینه استفاده از نیروی کار خانواده و کارگر روزمزد نیز گروه «ب» عملکرد بهتری داشته و تفاوت میان گروه‌ها معنادار است.

در فرآیند تولید نیز ۸۰ درصد افراد در گروه «الف»، امور زراعی را در زمان مناسب انجام نمی‌دهند، در حالی که ۹۹ درصد گروه «ب» زمان‌بندی مناسب امور زراعی را رعایت می‌کنند. این مسأله در رعایت کیفیت شخم اصولی نیز وجود دارد؛ به صورتی که ۹۲ درصد افراد در گروه «الف» این مسأله را رعایت نمی‌کنند؛ اما در گروه «ب» به میزان ۹۴ درصد بهره‌برداران در حد زیاد و خیلی زیاد رعایت می‌کنند. حذف سنگ و کلوخ از مزارع در گروه درگیر مشکل مالکیت، به میزان ۹۳ درصد خیلی کم صورت می‌گیرد؛ اما ۹۸ درصد

کتابنامه

1. Azkia, M. (1387/2008). *Introduction to the sociology of rural development* (5st Ed.). Tehran: Etelat publication. [In Persian]
2. Baker, M., & Miceli, T., (2005). Land inheritance rules: Theory and cross-cultural analysis. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 56(21), 77-102.
3. Friedman, L. (1985). *A history of American law*. New York: Touchstone.
4. Ghoshoni, A. (1390/2011). Time ownership in Iran's law. *Monthly of Dadresi*, 89(15), 22-28. [In Persian]
5. Grigg, D. (2005). *An introduction to agricultural geography*. New York: Taylor & Francis e-Library.
6. Hadavinia, A. A. (1382/2003). Theoretical foundations of the ownership structure from viewpoint of the Quran. *Journal of Islamic Economics*, 4(3), 11- 35. [In Persian]
7. Hejrati, M. H., & Afshari, M. (1389/2010). The role of land ownership in rural development (Case Study: Payenrokh rural district, Torbat Heidarie). *Journal of Human Geography*, 1(3), 123-136. [In Persian]
8. Kermanshah Governor General Office of Statistics and Information. (1390/2011). *Statistical Yearbook of Kermanshah*. Kermanshah: Kermanshah Governor's Office of Statistics and Information. [In Persian]
9. Mahidasht county seat. (1392/2013). *Statistical Yearbook*. Kermanshah: Mahidasht county seat, section statistics. [In Persian]
10. Miller, W. (1980). Primogeniture, entails, and endowments in English classical economics. *History of Political Economy*, 12(9), 558-581.
11. Motiee Langroodi, S. H. (1383/2004). *Rural planning with an emphasis on Iran* (1st Ed.). Mashhad: Jahad Daneshgahi Publication. [In Persian]
12. Noori e zamanabadi, H., & Amini Faskhodi, A. (1386/2007). The share of agriculture in rural development (Case study: Rural areas of Isfahan province). *Journal of Agricultural Sciences*, 62(7), 263-275. [In Persian]
13. Papoly-e-Yzdy, M. H., & Ebrahimi, M. A. (1387/2008). *Theories of rural development* (4th Ed.). Tehran: SAMT Publication. [In Persian]
14. Pryor, F. (1973). Simulation of the impact of social and economic institutions on the size distribution of income and wealth. *American Economic Review*, 63(11), 50-72.
15. Saedloo, H. (1373/1994). A glance to legal issues and problems of Iran's agriculture. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 7(7), 161-178. [In Persian]
16. Saeedi, A. (1383/2004). *Principles of rural geography* (5st Ed.). Tehran: SAMT Publication.
17. Schultz, T. W. (1964). *Transforming traditional agriculture*. New Haven: Yale University Publication.
18. Shariatee, S. (1386/2007). Temporarily of ownership has no contradiction with the nature of ownership (sale or transfer of ownership of the scheduled time). *Journal of Law (Judgment)*, 44(10), 40-44. [In Persian]
19. Singh, J., & Dillon, A. (1382/2003). *Agricultural geography* (4st ed., S. Dehghanian, A. Kucheci, & A. Kolahi Abari, Trans.). Mashhad: Mashhad University Publication. [In Persian]
20. Sklenicka, P. (2014). The Farmland rental paradox: Extreme land ownership fragmentation as a new form of land degradation. *Journal of Land Use Policy*, 38(7), 587-593.
21. Smith, A. (1937). *An inquiry into the nature and causes of wealth of nations*. New York: The Modern Library Publication.
22. Taghvae, M. (1376/1997). Introducing and comparing the factors affecting the spatio-temporal distribution of agricultural land and the fragmentation and integration. *Journal of Faculty of Letters and Human Sciences (Isfahan University)*, 9(9), 1-34. [In Persian]
23. Vosoughi, M., & Faraji, A. (1385/2006). Sociological research on factors affecting farmers' willingness to engage in arable land consolidation (Case study: Zarindasht village). *Journal of Iran's Sociology*, 2(7), 101-118. [In Persian]
24. Vranken, L., Mavours, K., Noev, N., & Swinnen. J. (2011). Property rights imperfections and asset allocation: Co-ownership in Bulgaria. *Journal of Comparative Economics*, 39(6), 159-157.
25. Yasouri, M. (2008). The reasons for minimum profitability of production factors in rural areas. *Journal of Geography and Regional Development*, 9(5), 113-131. [In Persian]

The Consequences of Ownership Conflict on Utilization of Agricultural Lands (Case Study: Mahidasht District of Kermanshah County)

Jafar Tavakoli^{*1} – Javad Damanbagh²

1- Assistant Prof. in Geography and Rural Planning, Razi University, Kermanshah, Iran.

2- Ph.D. Candidate, in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 22 October 2015

Accepted: 20 February 2016

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

Nowadays, one of the challenging issues of agriculture is the ownership problem and impact of the inheritance system on its procedure, performance and productivity. Dividing Agricultural lands between heirs led to fragmentation and smallness of the lands and emerging problems such as loss of agricultural water, lack of efficient use of agricultural machinery, reducing the productivity of labor and capital and so on. In many cases, heirs' disputes about quantity and quality of their share lead to legal proceedings and entails consequences such as leaving the land uncultivated, lack of willingness to invest and deprivation of bank loans. Considering long process of dealing with legal cases in the judicial system, a considerable part of the agricultural production capacity of the country become inactive or its productivity is deteriorating. Mahidasht district of Kermanshah as study area of this research, involve with the problems arising from juridical litigations over agricultural lands that caused to emerging mentioned problems in the area. This study attempted to answer this fundamental question that what impacts had juridical litigations over ownership of agricultural lands in Mahidasht district on the quality of utilization of agricultural lands.

2. THEORETICAL FRAMEWORK

Various strategies of rural development each has a different approach to the issue of ownership. Transformation or radical strategy emphasizes on change in socio-economic structures and the redistribution of resources. This strategy believes that rural development depends on revising the ownership system via land reform. In this way, the poor and disadvantaged groups in rural areas can benefit from the facilities and programs of government. In contrast, the improvement strategy does not care about transformation in economic and social structure, and often consider productivity increasing without changing in legal, social and ownership systems. In each of

mentioned strategies, the household final ownership of land officially recognizes according to the rules of countries. As a result, in the process of transferring ownership to the next generation a special inheritance system applied that varied in different countries. In the limited and conditional inheritance system all the property is transferred to one of the heirs. The main advantage of this method is to prevent land fragmentation. Another method is to divide the inheritance equally between the children of the deceased. In Islamic inheritance law for the sons and daughters of the deceased is considered a specified share which led to smallness and fragmentation of agricultural lands. Economically, the result of this trend is negative and led to decreasing in production productivity. Meanwhile, the issue is rarely addressed is endless disputes over quality and quantity of heirs' inheritance share and juridical litigations in this regard, that considering the long duration of investigation of lawsuits in courts, impose additional damage on agriculture's utilization and productivity.

3. METHODOLOGY

Present research from the viewpoint of nature and method is descriptive - analytical and in purpose aspect is practical. The main investigated components include income and investment, participation and employment, crop patterns, land management and production process. Study area is 110 villages of Mahidasht District of Kermanshah County. Of this number, 8 villages were selected on the basis of Judgmental sampling. The main criterion for selecting them was having or not juridical litigations over agricultural lands. The statistical sample consists of 200 farmers inhabited in mentioned villages. 100 people of aforesaid farmers due to property disputes resulting from the inheritance system referred to court or the councils for settling the disputes. To compare results, a group of 100 farmers living in the same villages that have no property disputes were studied as control group. The main research tool is questionnaire that its validity is approved by expert

*. Corresponding Author: J.Tavakkoli@ gmail.com

panels and its reliability is confirmed by Cronbach's alpha test ($\alpha = 0.831$).

4. DISCUSSION

Mann-Whitney test at 99% confidence level indicates that the experimental and control groups in all main component of research include land management, cropping patterns, income and investment and the production process have different performance. In a better statement, the group with ownership conflicts with other heirs, have very low motivation and as a result low productivity from point of view of following principles and standards of professional agriculture. Also, the Kruskal-Wallis test results indicate that between investigated villages from viewpoint of the above-mentioned components, there isn't a significant difference. This means that the 8 studied villages in relation to the research components have the same situation.

5- CONCLUSION

Ownership problem, inheritance system and existing conflicts in this regard, have remarkable impact on process, performance and productivity of the country's agriculture. Dispute and conflict of heirs that often appears in form of legal proceedings, in turn create problems for agriculture and farmers resulting to reducing agricultural production productivity. This study has tried to

delineate consequences of farmers' legal conflicts on production's core issues in Mahidasht district, Kermanshah County and through better identification of this problem put forward suitable solutions. Since The overall situation of Experimental and control groups with respect to the components of land management, cropping patterns, income and investment and the production process represents a distinct difference between them from the aspect of following proper principles of agricultural production and productivity, it is necessitate taking into account this problem for rural and agricultural development. Therefore, in order to reduce negative impacts of litigations on the production and productivity of agricultural lands, more than anything it seems necessary to revising inheritance system by the jurists and lawyers, on the one hand, and measures such as reducing the bureaucracy and duration in the investigation of such litigations by the judicial authorities, the promotion and development of land consolidation and development of agricultural production cooperatives could be helpful in this regard.

Key words: Ownership conflict, inheritance system, agricultural operations, agricultural land, Mahidasht.

How to cite this article:

Tavakoli, J. & Damanbagh, J. (2016). The consequences of ownership conflict on utilization of agricultural lands (Case study: Mahidasht District of Kermanshah County). *Journal of Research & Rural Planning*, 5(3), 145-161.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/50741>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495